



## «قصه در قصه» در قرن بیستم

- شهرزاد ما کویی
- (دکتر زبان و ادبیات فرانسه)

هسته‌ی مرکزی را در آن مشاهده کرد. بنابراین، تعریف جامع‌تری برای این روش ادبی در نظر بگیریم؛ به این شرح:

«قصه در قصه در اصل بازتاب داستان در خود آن است»

اما اگر جنبه‌ی دوگانه معنایی کلمه‌ی بازتاب را در نظر بگیریم، این سؤال برای‌مان پیش می‌آید که آیا این تنها یک بازتاب آینه است، یا بازتاب اندیشه‌ای؟ غالباً بخش بازتابی در زمان یک بازتاب «میمتیک» می‌باشد. بدین معنا که بازتاب یکی از حقایق اصلی رمان است.

به‌عنوان مثال، می‌توان از دو اثر پالود Paludes/ و زیرزمین‌های واتیکان les caves du Valican / یاد کرد. همان‌گونه که در این آثار نیز مشهود است این بازتاب ابزار برای بروز اندیشه‌ی نو نویسنده می‌باشد. بدین معنا که نویسنده از آن به‌عنوان نقطه‌ی حساسی که در آن نظریه و نقد خود را بازگو می‌کند، استفاده می‌نماید.

اما در تمامی آثار، این بخش بازتاب که به

«قصه در قصه» روشی ادبی است که بیش‌تر قصه‌نویس‌های نو را مجذوب خود کرده و آن‌را به اشکال مختلف در آثار این نویسندگان، می‌توان یافت. اما با این وجود چنین روشی به هیچ‌وجه ابداع جدیدی در عرصه‌ی ادبیات به‌شمار نمی‌آید.

از دیرباز می‌توان این روش را در آثار بزرگانی چون آندره ژید، مارسل پروست، ناتالی ساروت و آلن روب گریه مشاهده نمود.

گرچه برای عده‌ی زیادی این روش در نگاه اول هم‌چون یک روش بطنی (درونی) که هیچ پایانی ندارد، به حساب می‌آید، ولی در واقع در کاربرد ادبی‌اش به‌ندرت چنین مشاهده می‌شود. با آن‌که آندره ژید اولین نویسنده‌ای است که «قصه در قصه» را به‌عنوان یک روش ادبی پیشنهاد کرد، ولی او به هیچ‌وجه ادعا نمی‌کند که مبتکر آن است. آثاری که این روش در آن‌ها به وضوح به چشم می‌خورد و آندره ژید نیز از آن‌ها نام برده، شامل: هاملت، ویلهلم میستر Wilhelm Meister/ و سقوط خانه‌ی اوشر La Chute de la maison Usher/ می‌باشند.

در میان این آثار هاملت در رابطه با این روش، نمونه‌ی برجسته‌ای است. طی یک سخنرانی که مارسل آرلان Marcel Arland/ و ژان موتون Jean Mouton/ درباره‌ی آندره ژید ترتیب دادند، کلود اولیه Claude Ollier/ گفت استفاده از روش «قصه در قصه» از قرن‌ها پیش مرسوم بوده است.

در مورد این روش می‌توان در ادبیات فرانسه به قرن ۱۱ برگشت. در این رابطه می‌توان از اثری به نام زندگی سنت - الکسیز Saint - Alexis/ نام برد که شاهد بسیار خوبی بر این گواه است.

داستان این اثر شامل زندگی این قدیس، از زبان خود می‌باشد. وی کمی قبل از مرگش آن‌را در بطن داستانی به شکل مینیاتور کاملی برای خانواده‌اش، به‌جا گذاشته است.

در همین زمینه می‌توان مثال‌های دیگری هم‌چون داستان ادیپ در اودیسه، دن کیشوت و نیز از آثار گوته نام برد.

حال ما بایستی این روش قدیمی را در یک چهارچوب توصیف نماییم. مهم‌ترین اصلی که بایستی در حفظ آن کوشش نمود این است که: «قصه در قصه انعکاس خود آن داستان در مرکزش می‌باشد.»

در این تعریف، کل داستان حامل یک هسته‌ی مرکزی است که بازتابی می‌باشد از کل داستان. اما این تعریف تعداد کمی از آثار ادبی را در بر می‌گیرد. در این میان هاملت نمونه‌ی کم‌نظیری است که به‌خوبی می‌توان این

صورت بطنی درون داستان می‌باشد، بایستی شباهتی به داستان کل اثر داشته باشد و این مطلب ما را به سوی نظریه‌ی لوسین دالن‌باک راهنمایی می‌کند که می‌گوید:

«هر داستانی که در آن اثر بطنی شباهتی به داستان کل اثر داشته باشد، یک قصه در قصه است.»

با این تعریف، در آثار پروست، «سونات در کروتزر» و «فدر در جست‌وجو» Recherche / Phèdre خود بازتاب می‌باشند، در حالی که «سپتور و نتوی» یک قصه در قصه حقیقی است. علاوه بر آن لوسین دالن‌باک، در طبقه‌بندی انواع داستان‌های آینه‌ای در کتابش، قصه در قصه را به ۳ نوع تقسیم‌بندی می‌کند.

الف. بازتاب میمیتیک / Réflexion mimétique

که در آن، داستان کل اثر دوباره بازگو می‌شود و یا این‌که یکی از واقعیت‌های درون



نشر و پژوهش  
**فرزان روز**  
متشر کرد:

● **بهرنگی و ماهی سیاه دانا**

به کوشش سیروس طاهباز  
● **ادبیات تطبیقی**

طه ندا / زهرا خسروی  
● **رسولان رنگ**

نوشین معینی کرمانشاهی  
● **شعر زندان**

برگزیده و شرح اشعار مسعود سعد سلمان / پرویز اتابکی

● **در اندرون**

افسانه اتحادیه / نازیلا خلخالی  
● **پشت و رو**

آبر کامو / عباس باقری

● **ناصر خسرو، لعل بدخشان**

هانسبرگر / فریدون بدره‌ای  
● **سیری در اقتصاد معاصر**

● **معاصر**

جان کنت گالبرایت / عباس قانع بصیری، محسن

● **قانع بصیری**

● **شرح سیاست‌نامه**  
به کوشش حجت‌الله اصیل

خیابان کریم‌خان، خیابان شهید

حسینی (مدیری)، شماره ۱۶،

تهران ۱۵۸۵۶ تلفن ۴ -

۸۳۱۰۲۵۳ فاکس: ۸۳۱۰۲۵۵

و این که قسمتی از کل داستان را بازگو می‌نماید. نوع دیگری که برای قصه در قصه نمایانگر می‌توان ارایه داد، قصه در قصه بازگشتی / retrospective است که در آن بخش بازتابی، داستانی را که متعلق به گذشته است، بازگو می‌نماید؛ (مثل صحنه‌ی هنرپیشه‌های دوره‌گرد در هاملت).

۴. قصه در قصه می‌تواند بیشگویی‌کننده نیز باشد. بدین معنا که یک حادثه‌ی مربوط به آینده را بازگو می‌نماید (مثلاً در پاک‌کن‌ها / Les faux Monnayeurs).

۵. و در نهایت «قصه در قصه» می‌تواند حالت زیر را به خود اختصاص دهد:

۵ - ۱. اعتراضی؛ ۵ - ۲. استنادی؛ ۵ - ۳. اتهامی؛ ۵ - ۴. تضادی؛ ۵ - ۵. تصنیفی؛ ۵ - ۶. احیایی. طبق این تعاریف هر یک از نویسندگان مورد نظر ما، از این روش بهره می‌جویند.

در مورد آندره ژید باید گفت که روش او نوعی بازتاب تحولی است. بدین معنا که «در سکه‌ی زنان تقلبی» وی، به کمک استعاره‌ها، خود را در آینده می‌بیند و مبدل به «نارسیس» می‌گردد.

همان‌گونه که نارسیس به تصویر خود می‌نگرد، آندره ژید خود را در حال نگاه کردن، نگاه می‌کند. بدین نحو، وی خود مبدل به قصه در قصه می‌شود.

مارسل پروست تا آن جایی پیش می‌رود که چون شه‌رزاد در هزار و یک‌شب خواننده را مجذوب داستان‌های خود می‌کند و او را مانند شهریار در انتظار قصه‌های دیگری می‌گذارد. پروست به کمک هنرهای دیگر، اثرش را غنی می‌سازد و نشان می‌دهد که چگونه می‌توان بر بینش مشاهده‌انسان‌ها مطالعه نمود و به درون روح آنان نفوذ پیدا کرد.

ناتالی ساروت قصه‌نویس نو، از این روش برای زیر سؤال بردن ادبیات استفاده کرده است. بدین‌گونه که قصه در قصه بهانه‌ای است برای این اظهارنظر نویسنده که: وقت زمان‌های سنتی به سر آمده است و دنیای قرن ۲۰، ادبیات نویی را خواستار است.

آثار ناتالی ساروت که به این مطلب اشاره نموده‌اند، تصویر یک «ناشناس»، «پلانتاریوم»، «میوه‌های طلایی»، «بین مرگ و زندگی» و «صدای آن‌ها را می‌شنوید؟» هستند. و بالاخره آن روبرو گریه از قصه در قصه آینه‌ای به‌وجود می‌آورد که در آن با خواننده «بازی» می‌کند.

بدین ترتیب او را به سویی هدایت می‌کند، که خواننده به اجبار خود داستان را می‌سازد. از آثار او می‌توان از «پاک‌کن‌ها»، «حسادت»، «خانه‌ی قرار ملاقات» نام برد.

● هر داستانی

● که در آن اثر بطنی

● شباهتی به داستان کل اثر

● داشته یک قصه در قصه است

ب. بازتاب تبدیلی reflexion / transformatrice /

که حقیقت داستان را به‌طور ناقص بازگو می‌نماید به‌طوری که دو بخش به‌وجود آمده در داستان هم‌سان هستند ولی عیناً مشابه یک‌دیگر نمی‌باشند، به‌نحوی که می‌توان آن دو را از هم تمیز داد. در این بخش می‌توان از داستان ادوار در سکه زنان تقلبی اثر آندره ژید، نام برد.

ب. قصه در قصه‌ی نمایانگر la mise en abyme révélatrice /

که در آن، یک عنصر غایب در صحنه‌ی داستان که نقش کلیدی‌ای را بازی می‌کند، تعریف می‌گردد.

به نحوی که با بیان آن، بخش گمشده‌ی داستان به‌دست می‌آید و واقعیت می‌یابد. در این بخش می‌توان به هاملت اشاره کرد.

در نزد نقاش‌هایی چون، «پتروس کریستوز»، «ژان وان اک»، «کانتان متزیس» و «مملینگ» می‌توان شاهد تابلوهای آینه‌ای بود.

در این حالت قصه در قصه‌ی نمایانگر - به گفته‌ی لوسین دال‌ن‌باک - «ابزاری برای دیدار» است. در حقیقت در ادبیات نیز تقریباً استفاده‌ای مشابه از این مورد دیده می‌شود. علاوه بر این طبقه‌بندی‌ها می‌توان تعاریف دیگری را نیز اضافه نمود. بدین ترتیب که:

۱. قصه در قصه می‌تواند خاصیت انتقالی نیز داشته باشد. بدین نحو که اثر آینه‌ای در رمان، می‌تواند از نوع دیگری غیر از داستان باشد. مثل یک قطعه‌ی موسیقی (سپتور ونتوی در جست‌وجو)، یا یک تابلو (تابلوی ایستیر در بندر کارکتونیت).

۲. بازتاب در قصه در قصه می‌تواند از نوع کنایه یا ابهام نیز باشد. بنابراین تابلویی که در یک رمان توصیف شده، می‌تواند نشان‌دهنده‌ی شخصیت صاحب تابلو باشد (گذرگاه میلان).

۳. علاوه بر این بازتاب می‌تواند ساختگی یا سنتیک یا حاشیه‌ای باشد. مانند آثاری که در آن‌ها اثر بطنی عین کل داستان را ارائه می‌دهد